



معرفی می‌کند. این رویه به آن معنی نیست که فلانی باند باز است و فقط از بازیگران مورد نظرش استفاده می‌کند. من محمود دینی یکی ۱۰ دو دهه قبل عکس‌هایم در کوچه و خیابان فروش بالایی داشت و اگر الان کم‌کارم دلیل آن نیست که فردی ویا گروهی مانع کار کردن من هستند. به هر حال شرایط این گونه بوده و تهیه‌کننده و یا مسئول انتخاب بازیگر به آن نام‌هایی که انتخاب کرده اعتقاد دارد و مطمئن است با حضور این نام‌ها بازی‌های فیلم درست و خوب و یکدست خواهد شد. از این کارها که بیاییم در مصاحبه‌ها به همکارانم انگ بچسبانیم و تهمت بزنیم بدم می‌آید.

درباره وضعیت پخش و نمایش فیلم‌ها با توجه به حجم بالای فیلم‌های اکران نشده چه نظری دارید؟

من الان درگیر اکران و نمایش فیلمم هستم و مانده‌ام که چگونه ممکن است یک فیلم با تعداد زیاد سینما و تبلیغات زیاد چهار میلیارد می‌فروشد، اما فیلم دیگر با همین شرایط و البته تبلیغات محدود بالای سیصد میلیارد فروش می‌کند. این یک علامت سوال در پخش است.

شاید به کیفیت فیلم مرتبط است.....

منظور از کیفیت فیلم چیست؟ آیا کیفیت فیلمبرداری، بازی، کارگردانی و سایر موارد مد نظر است و یا اینکه اینها مهم نیست و اینکه چقدر در فیلم از الفاظ مبتذل و زننده و سطحی استفاده می‌شود و دلکش بازی جایش را به ایجاد درست موقعیت طنز داده است! طنز درست باید شرایط اجتماعی را به چالش بکشد. امیدوارم این شرایط تغییر پیدا کند و مردم از دیدن این فیلم‌ها خسته شوند. باید در این شرایط به تهیه‌کنندگان بخش خصوصی که امکانات دولتی نمی‌گیرند کمک بیشتری شود.



با کارگردان‌هایی مثل صلح میرزایی کار کردید که به بازیگر اجازه مانور می‌دادند و اهل محدود کردن نبودند. این ویژگی چقدر برایتان مهم بود؟

اهل محدود کردن خودم نبودم و پیشنهاد در باره نقشم می‌دادم و اگر کارگردان بخواهد بازیگرش را محدود کند کیفیت فیلمش پایین می‌آید.

به هر حال کارگردانی مثل حاتمی‌کیا هستند که بازیگران‌شان را به قرار گرفتن در چارچوب خواسته‌هایشان محدود می‌کنند....

نه، حاتمی‌کیا بازیگرانش را محدود نمی‌کند. بازیگری که محدود و کنترل بشود می‌شود عروسک کوچکی. خود من چند فیلم ساخته‌ام و برای بازیگرانم آزادی عمل قائلم و می‌توانید از آنها بپرسید.

جزو بازیگرانی هستید که بیشتر با یک چهره ثابت ایستاد و موی فرق از وسط بازی کرده‌اید. اما در فیلم «حامی» این قالب را شکستید؟

مخاطب چهره من را با ریش دوست داشت و با این تیپ خو کرده بود. مثلاً مخاطب پورعرب را بدون ریش و سیبیل دوست دارد. برای خیلی از بازیگران که تغییر چهره داده‌اند خروجی خوبی به وجود نیامده است. در فیلم «حامی» چهره‌ام بدون ریش و سیبیل، مناسب نقشم بود که یک کارگر چاپخانه بودم.

با کدام بازیگران بیشتر راحت بودید؟

با جمشید هاشم‌پور و جمشید مشایخی همکاری‌های خوبی داشتم. مشایخی در چند همکاری که با ایشان داشتم تلاش می‌کرد که به بازیگر مقابلش حال بدهد و از او حمایت می‌کرد.

در مورد تجربه ساخت فیلم «بالاج» بگوئید؟

«بالاج» یک فیلم اکشن و اجتماعی است و خودم، حسین سحرخیز، بهمن دان، میرطاهر مظلومی، قاسم زارع و سارا سلطان‌زاده از جمله بازیگران اصلی فیلم هستند و داستان در سیستان و بلوچستان و با محوریت رشادت‌های زنان قوم بلوچ می‌گذرد و یک تجربه متفاوت و نو در حوزه جغرافیای بلوچستان در سینمای ایران است. فیلم در نوبت اکران قرار دارد و قرار است به زودی فیلم بعدیم با نام «شب زخمی» کلید بخورد.

در باره وضعیت فعلی سینمایی و مافیای انتخاب عوامل چه نظری دارید؟

مخالف این هستم بگوئیم در سینمای ایران جریان محفلی وجود دارد و یا کسی و یا کسانی هستند که با عده‌ای خاص کار می‌کنند. به هر حال شخصی به عنوان انتخاب بازیگر در یک فیلم حضور دارد و من تهیه‌کننده با او کار می‌کنم و او هم طبق تجربه‌اش بازیگرانی را انتخاب و

کمترین برداشت می‌گرفتم.

نکته جالب سریال هماهنگ شدن زوج شما و جواد گلیایگانی بود که تبدیل به نقطه قوت اصلی جذب مخاطب شد.....

جواد هم این کار خیلی دوست داشت و وقت و انرژی زیادی صرف بازی‌اش کرد. متأسفانه نه تلویزیون و نه سینما قدرش را ندانستند. جواد بدون حاشیه و تنش کارش را به بهترین نحو انجام می‌داد.

از موقعی که در کوچه و خیابان شناخته شدید مورد توجه مردم قرار گرفتید؟

بعد از پخش قسمت چهارم سریال مردم من را شناختند و مورد لطف قرار دادند و مدام به من ابراز علاقه می‌کردند و برایم این دیده شدن خوشایند بود. یادم می‌آید با همسر و دخترانم برای زیارت به قم رفته بودیم که با حضورمان در حرم همه به سوی ما آمدند و شلوغ شد و خیلی سریع ما را بردند بیرون.

به چه دلیل دیگر ساخت این مجموعه ادامه پیدا نکرد؟

تا سال ۱۳۷۲ و به مدت ۸ سال ساخت این مجموعه ادامه پیدا کرد و من به واسطه شرایط کاری‌ام از ستاد درخواست استعفا کردم. زیرا انواع شایعات ریز و درشت در باره من مثل برادر بودن با فلان خواننده لس آنجلسی و غیره منتشر شده بود که صلاح نبود در شغل منم و باید به کلی آدم در ستاد پاسخ می‌داد که شایعات درست نیست.

در ورودتان به سینما با کارگردان‌هایی نظیر صلح میرزایی و جهانگیری کار کردید که متعلق به سینمای بدنه و تجاری بودند. آیا از کارگردان‌های سینمای مستقل و هنری پیشنهاد بازی نداشتید؟

در آن موقع در اوج محبوبیت بودم و از اغلب دفاتر سینمایی پیشنهاد داشتم. موقعی که «شاهین تلایی»، «مجازات»، «حامی» و دهها فیلم دیگر را بازی کردم مدام سر کار بودم و فرصت بازی در سایر فیلمها را نداشتم.

آیا دوست نداشتید تغییر ژانر بدهید؟

«مجازات» با «شاهین تلایی» تفاوت‌های زیادی دارد و در دو ژانر متفاوت هستند. البته دوست نداشتم در فیلم‌های هنری و جشنواره‌ای بازی کنم.

بازی در این نوع فیلم‌ها آورده‌های مالی بالایی برای شما داشت؟ در زمان خودش خوب بود.

آیا به طور مثال باندازه بازیگران مطرح آن دوران مثل شکیبایی دستمزد می‌گرفتید؟

برای اولین بار در سال ۱۳۷۲ در سینما سیصد هزار تومان دستمزد گرفتم.

بالاترین دستمزدی که در سینما گرفتید چقدر بود؟

یک میلیون و دویست هزار تومان بود و رقم بالایی در آن دوران (سال ۱۳۷۷) محسوب می‌شد و از در دفتر آقای صادقی این دستمزد را گرفتم. تمام فیلم‌هایی که در آن سالها بازی کردم پر فروش و برای تهیه‌کننده‌اش سودآور بودند.

این فضا ساخته شد. همین فیلم معروف «مهمان مامان» همان فضای «آئینه عبرت» را دارد.

این نظر را به این جهت عنوان کردم که در دهه‌های بعدی شاه محمدی از جریان و بدنه کاری محدود شد.....

این کم‌کاری‌اش دلالتی دارد و من چند بار پیشنهاد کار به او دادم و گفت درگیر کارهای اقتصادی و حل و فصل آنها است و کار نمی‌کند.

علی، نقشی که بازی کردید جوانی آرام، کم حرف و درون‌گرا است. چقدر در خلق این کاراکتر از خودتان وام گرفتید؟

اولش قرار نبود بازی کنم و فقط تهیه‌کننده بودم و به دلیل شغلم هم تمایلی به بازی نداشتم.

چه بازیگری قرار بود نقش را بازی کند؟

اسم نبریم بهتر است. بازیگری برای نقش انتخاب شد و دو قسمتی بازی کرد و خیلی متوقع بود و ادا و اطوره‌های زیادی داشت. در صورتی که با مراجعات مکررش برای نقش انتخاب شده بود و بازی‌اش هم زیاد رضایت بخش نبود.

آیا جواد گلیایگانی را شما پیشنهاد دادید؟

چند گزینه دیگر هم مثل حسین شهاب، محمود بصیری و چند نفر دیگر برای این نقش کاندیدا بودند. ایرج سرباز مدیر تدارکات فیلم، گلیایگانی را معرفی کرد و آمد دفتر و خودم صورتش را با ذغال گریم کردم.

سریال را جهادی و با کمترین امکانات تولید کردید....

آن موقع عشق داشتیم و هزینه‌های تولید و غذا را ستاد مبارزه با مواد مخدر می‌داد و بحث قراردادهای عوامل از طریق سروش صدا و سیما پرداخته می‌شد.

بحث حضورتان به عنوان بازیگر ناتمام ماند.....

همان روزی که بازیگر نقش علی، بهانه آورد، رفتم جلو گفتم دوست عزیز بازی که کاری ندارد و خودم نقش را اتود زدم. شاه محمدی وقتی دید گفت: «محمود خودت نقش را بازی کن.» من گفتم نه و با اصرار در چند سکانس کوتاه بازی کردم و با پایان بخش نخست سریال کارگردان اصرار کرد که خودم باید حتما نقش علی را بازی کنم. خود من ذاتاً آدمی هستم اهل اکشن و هیجانم و دوست ندارم یک جاساکن بنشینم و این بر خلاف درون‌گرایی علی بود. کارگردان برای خلق کاراکتر علی تأکید داشت که این آدم باید افتاده آرام و سستی و با ادب باشد. علی، در «برگ ریزان» شکل گرفت.

آیا اعتقاد دارید علی جوان‌های دهه شصت و هفتاد را نمایندگی می‌کند؟

معتقدم اینگونه است و جوان‌های آن دوره بیشتر نگره سنتی داشتند و اهل احترام به بزرگترها بودند. نسل ما جوانمرد و مودب بودند. الان صبوری و مناتت بین جوان‌ها از بین رفته است.

در شروع کار بازی‌تان با چند برداشت انجام می‌شد؟

خیلی سریع روی نقش مسلط شدم و برداشت سوم نداشتم و سکانس پلانها را بدون قطع با

